

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جواد طیب
۲۲ دسمبر ۲۰۲۱



جواد طیب

افغانستان میدان تقابل منافع قدرتهای سرمایه‌داری

بیشتر از چهار دهه است که مردم و جغرافیای سیاسی به نام افغانستان در آتش تقابل سرمایه‌های بزرگ جهانی می‌سوزد؛ در جریان جنگ سرد نیروهای به شدت هار مذهبی در داخل، و حول و حوش این کشور در چهار چوب اسلام سیاسی من حیث کمر بند سبز از سوی سرمایه‌ آمریکا و در کل بلاک غرب با کمک کشورهای عربی و پاکستان ساخته شد و در این میدان (افغانستان) علیه نفوذ هر چه بیشتر اتحاد جماهیر شوروی به کار گرفته شد. وقتی بخشی از این نیروها بعد از این که نیروهای شوروی از کشور بیرون شدند، با گرفتن امکانات از قدرت‌های منطقه یک مقدار از سلطه‌بلامنازع کشورهای خالق شان دوری کردند و یا به زبان دیگر در تطبیق پروژه‌های بعدی آمریکا و ناتو اهمال و غفلت وظیفه‌ئی نشان دادند؛ این بار باز گروه تروریستی همانندی را از همان کمپنی (اسلام سیاسی) زیر نام طالب دوباره وارد جنگ گرم ساختند، تا این که در این دوره با استفاده از وقایع پیش آمده به خصوص به بهانه پناه دادن اسامه بن لادن رهبر گروه القاعده از سوی طالبان و انتقام از حمله یازدهم سپتمبر، آمریکا و شرکاء به این افغانستان لشکرکشی کردند و بار دیگر به شکل رسمی در این دو دهه اخیر نه تنها که این کشور را به گدای از سلاح‌های سبک و سنگین، مواد منفجره، قاچاق مواد مخدر و عادی سازی مرادفات اقتصادی مافیائی تبدیل کردند که با تسری این مناسبات از بالا به وسیله عناصر گزینشی خودشان همانند کرزی، غنی، عبدالله و هر چه کسانی که دور و بر اینها بودند، فساد، غصب ملکیت و دارائی‌های عامه، ترور، قلداری، انفجار و هر جنایت دیگری را در کل فرهنگ اجتماعی ساری و عادی سازی نمودند.

امریکا و شرکاء با یک چنین بذری در این خاک و بدتر از همه سوار کردن دوباره بزرگترین تروریستان جهان بر گرده مردم، این کشور را ظاهراً تحویل رقبای منطقه‌ئی خود به خصوص چین و روسیه کردند. آمریکا و ناتو در تقابل و محدود سازی رقبای منطقه‌ئی به خصوص چین و روسیه دست به هر کاری می‌زنند. در این فاز با از بین بردن کل سیستم و شیرازه جامعه در افغانستان و بر سرکار گماشتن تروریستان در قدرت، درگیری و نگرانی چین را به علاوه

حوزه ایندو-پاسفیک، از این ناحیه هم سخت تشدید کرده است؛ حالا چین و روسیه از خطر گسترش نیروهای تروریستی و قاچاق مواد مخدر به قلمرو شان با توجه به بزرگترین منبع عایداتی طالبان از تولید و قاچاق مواد مخدر و موجودیت بیش از بیست گروه تروریستی در افغانستان سخت در محاصره هستند. از سوی دیگر چین و روسیه آن چنان هم بالای گروه‌های طالب اعتماد ندارند که به این زودی ها هزینه کل سیستم سازی و حکومت داری را در افغانستان با دست باز بپردازند. این ها بدرستی می‌دانند که هنوز رشته ارتباط این گروه‌های تروریستی با امریکا کاملاً قطع نشده است، این هم برای رقبای امریکا و ناتو در منطقه مشخص است که امریکا با بیرون کشیدن نیروهای خود از افغانستان و قطع مداخلات مستقیم نظامی، زمینه هرچه بیشتر مداخلات سیاسی را همچنان از قبل کشورهای عربی و پاکستان در دست دارد.

روی هم رفته باید تأکید کرد که بحران و سونامی بشری که در افغانستان شکل گرفته است، اساساً ناشی از بحران اقتصادی و ساختاری در کل سیستم سرمایه داری است و درست از همین ناحیه هم است که خود را چندین لایه، پیچیده و به دور از تحلیل‌های دم دستی نشان می‌دهد. اما آنچه که روشن و مبرهن است، در این تقابل منافع، بیشتر از هر دولتی این مردم افغانستان است که فجایع بد و بدتر را هر روزه تجربه خواهند کرد. خب وقتی اوضاع افغانستان و منطقه متأسفانه در یک چنین وضعیتی است، پرسش اساسی این خواهد بود که مردم و به‌خصوص طبقات فرودست جامعه که بیشتر از همه در معرض فقر و فلاکت قرار دارند چه باید بکنند؟

در این زمینه یاد مان باشد، تاریخ به ما می‌گوید در جنگ و تقابل منافع کشورهای سرمایه داری، برد و باخت هر کدام این دو طرف به نفع طبقات فرودست و در کل مردم آن جغرافیا نیست؛ جنگ ها به علاوه این طرف های منازعه یک طرف دیگر هم دارد و آن مردم آن جغرافیای سیاسی است. تصمیم و اراده این طرف به خصوص صورت بندی های پائینی جامعه است که می‌تواند در جهت منافع کل شهروندان تعیین کننده باشد. البته این را هم باید گفت که مردم و شهروندان را نباید از بُعد جامعه شناختی به دلیل گرایش های معین اجتماعی که به جنبش های سیاسی-اجتماعی در جامعه دارند فقط جمع عددی انسان های شناخت که یک دست و همه در یک صف واحد رژه می روند؛ مردم متأسفانه به دلیل پایگاه ها و جایگاه های طبقاتی متفاوتی که به حکم مناسبات اجتماعی دارند، هر کدام جنبش های اجتماعی-سیاسی خود را دارند.

در منازعه نیم قرنه افغانستان بنا به منافع طبقات حاکم در کشور و منافع نظام سرمایه‌داری در جهان، بیشتر از هر جنبش اجتماعی دیگر جنبش های ناسیونالیستی و مذهبی توانسته است پلاتفرم خود را به خورد جامعه دهند و با تفرقه انسان ها بر مبنای قوم، زبان، سمت، مذهب و غیره هویت همه شمول آدم ها را که همان انسان یعنی شهروند آزاد و متساوی الحقوق اند از گزینش های اجتماعی به درو سازند. برای همین هم است که امروزه هم نقد مناسبات در جریان افغانستان با تأسف اکثراً مذهبی و ناسیونالیستی است و هم نیروهای بر سر قدرت و پیش برنده های رتق و فتق جامعه؛ به عبارت دیگر هم نقد ناسیونالیستی و مذهبی است و هم موضوع نقد.

اگر ما به وضعیت موجود نقد داریم، اگر ما خواهان استمرار گذشته در آینده نیستیم، اگر ما لاقط تجارب و انتباهی از کارکرد جنبش های ناسیونالیستی و مذهبی داریم که به جز فقر، فلاکت و سیه روزی چیزی دیگری تحویل شهروندان نکردند، دیگر نباید هیچ توهمی نسبت به این جنبش ها داشته باشیم. جنبش های ناسیونالیستی و مذهبی به ویژه در این نیم قرن اخیر در کشور هرچه جنایت و فجایعی که سراغ داشتند نسبت به مردم دریغ نکردند؛ بنابراین امروزه بیش از پیش فرصت آن فرارسیده است که مردم سوای تعلقات اتنیکی و تباری شان حول پلاتفرمی گرد آیند که در آن شرکت و زندهگی اجتماعی آدم ها در اقتصاد، قدرت سیاسی و کل امور جامعه نه بر مبنای مشخصات مثل مذهب، قوم، زبان،

محل، جنسیت و... بل من حیث انسان‌های آزاد و متساوی‌الحقوق که در امور همگانی در سطح توان‌شان تلاش کنند و از فرآورده‌های اجتماعی در حد نیاز بدون هیچ تبعیضی برخوردار باشند. رهائی جامعه از منجلاب این همه فجایع در گرو شکل‌یابی یک چنین جنبشی است. هرچند این جنبش به صورت بالقوه در جامعه موجود است. مردم از فقر، بی‌حقوقی، جنایت، قوم‌بازی، زبان‌بازی، تبعیض جنسی و تحمیل قواعد مذهبی به یک اندازه بیزار اند و هر از گاهی اینجا و آنجا اعتراض خود به وضع موجود را در چهارچوب اکسیون‌های خیابانی به نمایش می‌گذارند، اما نیاز است که این جنبش اجتماعی با روشن‌سازی هرچه بیشتر خواست‌ها و مطالبات خود از جنبش‌های دیگر، از بالقوه به بالفعل در آید. در پهلوی این، قدرت‌یابی این جنبش کاملاً بستگی دارد به اتحاد و تشکل‌یابی هرچه بیشتر طبقات فرودست در این جنبش و حمایت و پشتیبانی تشکل‌های پیشرو و برابری طلب از آن در سراسر جهان.